زندگی سلام
ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
•سه‌شنبه•۱۵آبان۱۳۹۷•شماره۱۱۸۰

حدیث روز

حضرت صاحب‌الزمان(عج): هیچ چیز همانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد و او را خوار نمی‌کند، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال. **بحارالانوار**

ذکر روز سه شنبه
صد مرتبه «یا ارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

نظر استاد مطهری درباره نحس بودن بعضی ماه‌ها

شهید مطهری می فرماید: «قرآن کریم در آیات زیادی با کمال صراحت این مطلب را می گوید که منشأ فال بد، هر شومی و نحوستی که وجود دارد، خارج از وجود خود بشر نیست. یعنی بشر ممکن است فکر و عقیده اش، فکر و عقیده شومی باشد؛ وقتی که فکر و عقیده اش سراسر خرافه و جهالت است، شومی در جهالت است. شومی جز در اخلاق فاسد در جای دیگری نیست. شومی جز در اعمال پلید در چیز دیگری نیست. همچنین پیغمبر اکرم(ص) در کمال صراحت فرمود: «در امت من تطیر و فال بد وجود ندارد». خود پیغمبر اکرم(ص) اشیا را به فال نیک می گرفت و هرگز فال بد نمی زد و از فال بد منع می کرد. فرمود: «هر وقت به دلت بد آمد و با آمدن چیزی دلت چرکین شد و تطیر زدی، اعتنا نکن، مخصوصاً برو.» باز فرمود: «با ایام و روزگارها اعلام دشمنی نکنید که آن گاه آن ها دشمن شما می شوند.» امام صادق(ع) هم فرمودند تطیر چیزی است که اگر سخت بگیری بر تو سخت می گیرد، چون وقتی سخت می گیری خودت هستی که بر خودت سخت می گیری، و اگر سست بگیری بر تو سست می گیرد؛ اگر اعتنا نکنی، می بینی چیزی نبوده است. خیلی جمله عجیبی است! **برگرفته از کتاب پانزده گفتار**

فارسی بنویسیم

اف اف یا در باز کن؟

اسماعیل فریدونی

رسول: «سعید در رو باز کن.» سعید: «ببخشید، شرمنده داداش «اف اف» خرابه، صدا رو نمی رسونه. اگه تلفن نمی کردی متوجه نمی شدم که پشت دری.» رسول: «حالا باز و بسته کردن هیچ، واژه بیگانه تحویل دادنت مارو کشته!» سعید: «این دفعه دیگه کدوم واژه من بیگانه بود؟» رسول: «حالا واژه هست یا نه، نمی دونم ولی همین اف اف بیگانه بود.» سعید: «چون حوصله ندارم که بگم از گذشته ها این طوری بوده، باهات بحث نمی کنم، ولی بد نیست واژه برابر اون رو در زبان فارسی بدونم.»
رسول: «اول این که قدیم و جدید نداره، هر واژه ای که معادل فارسی داره باید مورد توجه باشه. دوم این که مگه این وسیله در رو باز نمی کنه؟» سعید: «چرا!» رسول: «خب خیلی راحت می تونیم به جای اف اف بگیم، در باز کن.»

قرارمدار

حکایت

خانه خسیس

گدایی بر در خانه منعمی رفت و چندان که رشته طمع پیچ داد، هیچش نداد. اگر پاره‌ای نان سوال کرد، گفتند به دکه نانوا رو. اگر مشتی برنج طلب نمود، برآشفتند که به دکان رزاز شو. اگر لختی گوشت خام خواست، لعنش کردند که این جا قصابی نیست و اگر برخی طعام پخته طلبید، زدندش که این سرا مطبخ نیست.

مشوای بینوا دخیل بخیل
که نیابی رطب ز خشک نخیل
به خدا واگذار ناکس را
باش تا آب جو برد خس را

چون بیچاره مایوس شد، به درون خانه رفت و خواست در گوشه‌ای تخلی کند! اهل خانه پیش رفتند و گریبانش دریدند که ای خبیث این چه کاری است؟ گفت ای ظالمان از خدای شرم ندارید؟ مگر خود نگفتید که در این جا هیچ نباشد، پس این جا ویرانه است و لایق زیستن نیست!

برگرفته از کتاب «پریشان» اثر قاآنی

مناسبتی

خاطرات پیک موتوری

آپاچی سیاه

ناصر علیرضایی

صبح سوار بر موتورم سر یکی از چهارراه های پر رفت و آمد، چند لحظه ای توقف کردم. وسایل نقلیه و عابران همه در جنب و جوش بودند. زندگی جاری بود. آن سوی چهارراه، آقایی را دیدم که با تلفن همراهش مشغول صحبت بود و دست آزادش را با هیجان بالا و پایین می برد و گاهی مشت می کرد و به شدت تکان می داد. با صدای تقریبا بلندی با مخاطبش حرف می زد و سعی می کرد موضوعی را به او بفهماند. در حین صحبت، مدام وارد حاشیه خیابان می شد و به پیاده رو بر می گشت، ظاهرا اصلا متوجه اطرافش نبود. ناگهان در کمال ناباوری دیدم موتورسیکلت آپاچی سیاه رنگی به سرعت به آن آقا که در حاشیه خیابان ایستاده بود، نزدیک شد و شخص پشت سر راننده در چشم برهم زدنی گوشی را از دستش قاپید و با سرعت دور شدند. آن آقا شروع کرد به فریاد زدن و چند قدمی هم دنبال شان دوید. به سرعت با موتور دنبال شان رفتم اما چند خیابان آن طرف تر متاسفانه هیچ اثری از شان ندیدم، ناپدید شده بودند. به محل حادثه برگشتم، دیدم مرد مال باخته روی جدول خیابان نشسته و گریه می کند. چند نفری هم جمع شده بودند و هر کدام سعی می کردند دلداری اش دهند. پلیس سر رسید و بعد از تحقیق و پرس و جو و تهیه گزارش، رفت.
چیزی که توجهم را جلب کرده بود گریه های مرد بود که تمام نمی شد، همچنان روی جدول حاشیه خیابان نشسته بود و با شدت گریه می کرد. چشمانش به نقطه ای نامعلوم خیره بودند و هق هق می کرد. دلداری و تسکین بی فایده بود، درد از اعماق وجودش بر می خاست. رفتم یک بطری آب خریدم و کنارش نشستم، بطری را به دستش دادم، نگاهی کرد و باز به گریه افتاد. مدتی صبر کردم، اندکی آرام شد و جرعه ای آب نوشید، به خودم جرئت دادم و گفتم: «آقا می دونم ناراحت اید، اما موفق شدم شماره موتورسیکلت سارقان رو بردارم و قیافه شون هم کاملا توی ذهنم هست. می تونیم با هم به اداره پلیس بریم و کمک تون کنم زودتر دستگیرشون کنن.» نگاهی به من کرد و در حالی که دوباره اشک هایش سرازیر شده بود گفت: «از لطف شما ممنون نیازی نیست.» قبل از این که دوباره چیزی بگویم، با چشمان لرزان از اشک و لب هایی که گویی به اختیارش نبودند گفت: «راننده موتور پسرم بود...»

دانستنی ها

هند از بزرگ‌ترین مجسمه دنیا رونمایی کرد

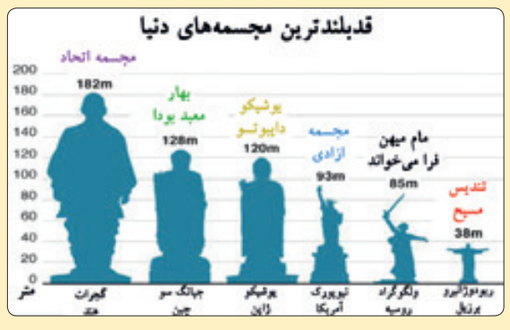

بی بی سی- مجسمه «اتحاد» با ۱۸۲ متر ارتفاع از جنس برنز و هزینه ای بیش از ۴۳۰ میلیون دلار در ایالت غربی گجرات هند رونمایی شد. این مجسمه به احترام سیاستمدار سرشناس هندی «والابای پاتل» ملقب به مرد آهنین، یکی از رهبران سیاسی و اجتماعی که در دوران استعمار نقش موثری در استقلال هند داشته است، با هدف جذب گردشگر به مدت چهار سال ساخته و به تازگی به نمایش گذاشته شده است.
این مجسمه حدود ۶۷۰۰۰ تن وزن دارد و در برابر زمین لرزه های بزرگ و همچنین بادهای شدید، مقاوم است. برای سطح خارجی این مجسمه از حدود ۱۲۰۰۰ پانل برنزی استفاده شده است که تقریبا ۱۸۵۰ تن وزن دارد. این مجسمه در فضایی بیش از ۲۰ هزار متر مربع ساخته و با یک دریاچه مصنوعی ۱۲ کیلومتر مربعی محصور شده است. بیش از دو هزار کارگر از جمله کارگران چینی، در روند ساخت این مجسمه نقش داشتند.
روز رونمایی از این مجسمه با اعتراضات گسترده مردم همراه بود که معتقد بودند این مجسمه بودجه عمومی را هدر داده است، اما مقامات آن ها را امیدوار کردند که این مجسمه سالانه ۲/۵ میلیون بازدید کننده خواهد داشت و به رشد اقتصادی محلی کمک خواهد کرد. گفته می شود یکی از اهداف ساخت «اتحاد»، شکست رکورد بزرگ‌ترین مجسمه دنیا بوده است. مجسمه معبد بودا در کشور چین با ۱۵۳ متر ارتفاع تا قبل از رونمایی از این مجسمه رکوردار بوده است. این مجسمه دو برابر مجسمه آزادی در نیویورک ارتفاع دارد و در ارتفاع ۱۵۳ متری در دل این مجسمه یک گالری وجود دارد. اما این رویای رکورددار عمر کوتاهی دارد، چون مجسمه‌ای با ارتفاع بیش از ۱۹۰ متر برای یادبود پادشاه «شیواجی» در ایالت غربی ماراشترای هند در حال ساخت است.

دنیا به روایت تصویر

کاترز نیوز| موج سواری در ساحل کوهستان، نروژ

ای پی ای| نقاشی دیواری جالب، ایتالیا

زندگی بزرگان

عشق به روح، نه جسم

در کتاب «اینک شوکران» که زندگی نامه شهید «منوچهر مدق» به روایت همسرش است، صحنه ملاقات همسر و فرزندش با پیکر پاک شهید این گونه توصیف شده است:
از در که وارد شد، منوچهر را دید. چشم هاش را بست. گفت: «تو را همه جوره دیده ام. همه را طاقت داشتم، چون عاشق روحت بودم، ولی دیگر نمی توانم این جسم را ببینم.» صورت به صورتش گذاشت و گریه کرد. سر تا پاش را بوسید. با گوشه روسری صورت منوچهر را پاک کرد و آمد بیرون. دلش بوی خاک می خواست. دراز کشید توی پیاده رو و صورتش را گذاشت لب باغچه کنار جوی آب. علی زیر بغلش را گرفت، بلندش کرد و رفتند خانه. تنها برمی گشت. چقدر راه طولانی بود. احساس می کرد منوچهر خانه منتظر است. امانبود. هدی آمد بیرون. گفت: «بابا رفت؟» و سه تایی هم را بغل گرفتند و گریه کردند.

اندکی صبر

وقار

مرتضی حاجی آقاجانی

زمین، چه متین و افتاده قدم برمی دارد
وقتی پاییز می رقصد و می رقصد و
درختان از برای این زیبای هزار رنگ
پوست اندازی می کند، روی جلد زمین

دور دنیا

دردسرهای دانشمندان قطب جنوب

آدیتی سنترال- دو دانشمند ۵۲ و ۵۳ ساله که در یک ایستگاه تحقیقاتی در قطب جنوب سال ها مشغول پژوهش بودند، به دلیل اقدام خطرناک یکی از آن ها، از ایستگاه اخراج شدند. یکی از دانشمندان، دیگری را با ضربات کارد آشپزخانه مورد حمله قرار داد، چرا که در حال لو دادن پایان کتابی بود که او تازه شروع کرده بود! این دانشمند ۵۲ ساله به جرم سوءقصد به جان همکارش به زندان افتاد اما اعلام کرد که دوستش همیشه آخر داستان ها را لو می داده و او از این کارش به ستوه آمده بود!

تفأل

هزار شکر که دیدم به کام خویشت باز
رندگان طریقت ره بلا سپرند

ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز
رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز

تکیه گاه

دهه آخر صفر تکیه شلوغ می شد. کسانی که در طول ماه نمی آمدند، سعی می کردند این روزهای آخر را از دست ندهند.
رحل های قرآن را جمع کرده بودند. حاج آقا روی پله دوم منبر نشسته بود، یک قورت آب خورد. پیرمردی با صدای بلند گفت: «سلامتی آقا امام زمان(عج) صلوات...» حاج آقا استکان را پایین گذاشت و ادامه داد: «دیگه به آخر صفر رسیدیم... هر کی خودش می دونه تو این دو ماه چی کار کرده... طبق سال های قبل شب های آخر صفر از همسایه مون، صاحبخونه مون، ولی نعمت مون، ارباب مون... آقامون امام رضا(ع) میگم...» زمزمه ها از گوشه و کنار مجلس به گوش رسید. «آقاجان... می دونیم که حق همسایگی رو به جا نیاوردیم... می دونیم که خیلی وقت ها دل تون روشکستیم... می دونیم که تو عمر مون روزهایی فراموش کردیم که کنار شماییم و کارهایی کردیم که شما به جای ما خجالت کشیدین...» یکی روی پایش می زد و یکی به پیشانی می کوبید. «ولی خودتون گفتین هر کی بیاد زیارت من، سه جا میام دیدنش...» زمزمه ها بلند شده بود.
چراغ ها را یکی یکی خاموش کردند. صدای حاج آقا می لرزید. از لطف امام رئوف می گفت و از بی معرفتی ما که نعمت همجواری آقا را قدر نمی دانیم. مستمعین با صدا و بی صدا گریه می کردند، یکی زار می زد و یکی از نهادش آه می کشید. «هر گاه کارم زار شد، گفتم علی موسی الرضا... هر جا گره در کار شد، گفتم علی موسی الرضا...» و من به الطاف معین الضعفا در حق خودم و خانواده ام می اندیشیدم. فکر می کردم که هر گاه او را واسطه کرده ام و از خدا چیزی خواسته ام یا حاجتم را برآورده کرده یا بعدا فهمیده ام که صلاحم در نگرفتن بوده.
«...ای صفای قلب زارم، هر چه دارم از تو دارم... تا قیامت ای رضا جان، سرز خاکت بر ندارم...» حاج آقا از سعادت همجواری با آقا می گفت و تعریف می کرد که چند میلیون نفر در دنیا آرزو دارند جای ما باشند. یاد پدرم افتادم که از بچگی بهمان یاد داده بود وقتی هر روز صبح از در خانه بیرون می آییم رو به حرم زیارت خاصه را بخوانیم و هر جا گنبد را دیدیم به احترام بایستیم و سلام بدهیم. «...مولا رو سیاهیم... گاهی یک ماه می گذره و به حرمت مشرف نمی شیم آقا...» به این فکر می کردم که چرا هروقت چیزی از آقا می خواستم یاد لم گرفته بود، می رفتم زیارتش. چرا وقتی خوشحال بودم، یا حتی فقط برای احوالپرسی بهش سر نمی زدم. شاید برای همین در زیارت نامه اش می خوانیم السلام علیک ایها الامام الغریب... السلام علیک ایها الامام المغموم، هم بین ما غریب است و هم غم ما را می خورد. دلم شکست. چه همسایه بدی بودم. در تاریکی کفش هایم را پیدا کردم و به سمت حرم راه افتادم. حاج آقا می خواند: «...تو خوبی من بدم، به این در آمدم، به جان فاطمه(س) مکن مولا ردم...»

علیرضا کاردار

ماوشما

*دل بسته آهوی نگاهت مولا
عشق است حریم و بارگاهت مولا
تو کعبه و حج فقرایی که چنین
گرد آمده دل ها به پناهت مولا

علی گیاهی

*خیلی ممنونم بابت چاپ تبریک تولد دخترم سارا. بهترین هدیه بود برایش
*در چندش بودن کله پاچه که شکی نیست! آخه پا و چشم و مغز و زبون گوسفند بیچاره رو که نمی خورن!
*آق کمال خیلی به خانم تون حسودیم شد وآه کشیدم و حسرت خوردم. تا خواسته همسرت رو برآورده نکردی دست بردار نبودی. موضوع حلیم رو میگم. نه برای جنبه شکم و خوردنی بودنش، به خاطر ارزشی که دادی به خانمت.
آق کمال: ارادت، بیشتر جنبه آموزشی هم داشت تعریف کردن او قضیه!
*فاطمه جان خواهر خانم خوبم، از این که زن داداش گلم هم هستی خوشحالم. ۱۵ آبان تولدت مبارک. **احمد والهام**
*آق کمال اگه داروخانه خسرتان از اون پوشک های قیمت قدیم دره براتان مستنم به عنوان چشم روشنی مفرستم! قربونت بوس بوس، خدانگهدار. **مجید آقاشادلو**
آق کمال: راضی به زحمت تان نیستم، ولی دست تان درد نکنه!

مارپیچ(سختی ۵۰٪)

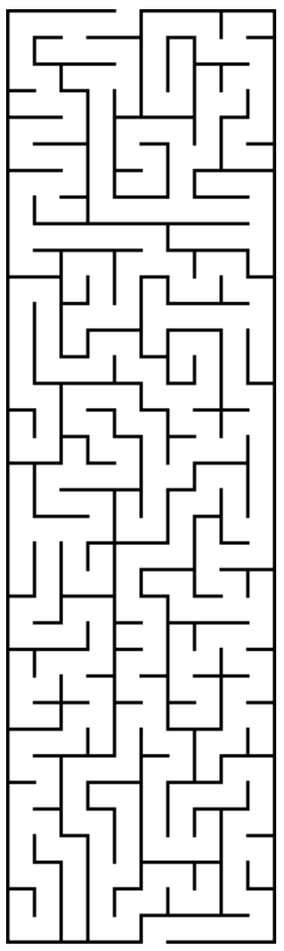

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

آگهي دعوت به ارزيابي كيفي فراخوان عمومي
مناقصه شماره ۳۰-۳۷-۹۷

اداره كل راه آهن خراسان در نظر دارد بنابر آيين نامه اجرايي بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاري مناقصات نسبت به ارزيابي كيفي پيمانكاران واجد شرايط جهت دعوت به مناقصه ازطريق سامانه تدارکات الكترونيكي دولت(ستاد) به نشاني www.setadiran.ir به شرح زير اقدام نمايد.مناقصه گران موظفند براي شركت درمناقصه نسبت به ثبت نام درسايت مذكور و دريافت گواهي امضاء الكترونيكي اقدام نمايند.لازم به ذكراست كليه مراحل برگزاري مناقصه ازفراخوان ارزيابي كيفي تا انتخاب برنده ازطريق سايت مزبورانجام مي گردد. ۱- نام سازمان مناقصه گزار : اداره كل راه آهن خراسان .۲- شرح مختصر موضوع مناقصه : خريد و نصب ساعتهاي ايستگاههاي اداره كل راه آهن خراسان . ۳- مهلت خريد اسناد ارزيابي : تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۰۸/۲۳ .۴- شايان ذكراست دريافت اسناد و ارائه پاسخ استعلام ارزيابي صرفاً"ميبايست ازطريق سامانه تدارکات الكترونيكي دولت(ستاد)صورت پذيرد و شركت كنندگاني مجاز به خريد حضوري اسناد مي باشند كه قبلا در سامانه مذكور ثبت نام نموده اند . تذكر : خريد اسناد فقط در قبال ارائه رسيد ثبت نام در سامانه صورت مي پذيرد . ۵- محل خريد حضوري اسناد ارزيابي : مشهد – چهارراه راه آهن - حوزه معاونت توسعه مديريت و منابع ـ واحد امور قراردادها و خريدها . ۶- فراخوان ارزيابي كيفي فوق از طريق پايگاه ملي اطلاع رساني مناقصات http:/iets.mporg.ir اطلاع رساني مي گردد.۷- مهلت و محل ارائه اسناد ارزيابي : تا ساعت ۱۳:۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۹۷/۰۹/۰۸- چهارراه راه آهن ـ حوزه معاونت توسعه مديريت و منابع ـ دبيرخانه اداره كل راه آهن خراسان . ۸- مبلغ كل برآورد : ۲/۹۹۱/۰۰۰/۰۰۰ ريال . ۹- مدت و محل اجرا: مدت اجرا يكسال بوده و محل اجراء طبق اسناد مناقصه ميباشد. ۱۰- مبلغ تضمين شركت در فرآيند ارجاع كار: : مبلغ ۱۴۹/۵۵۰/۰۰۰ (يكصد و چهل و نه ميليون و پانصد و پنجاه هزار ريال مطابق با تضامين معتبر مندرج در آيين نامه تضمين معاملات دولتي موضوع مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هيات محترم وزيران ، در صورت واريز نقد شماره حساب IR۲۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۶۴۰۰۶۳۷۲۶۲۴۱ نزد بانک مرکزی اعلام می گردد . تذکر: به درخواست مناقصه گزار ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار لازم است به مدت سه ماه دیگر قابلیت تمدید داشته باشد. ۱۱- رشته و رتبه تأمین کننده کالا : سازندگان و توليد كنندگان داراي مجوز از وزارت صنايع و معادن و يا شركتهاي داراي رتبه ۵ تاسيسات و تجهيزات و ۵ برق از سازمان برنامه و بودجه مجاز به شركت در مناقصه مي باشند .تذكر ۱ : ارائه تصوير برابر با اصل شده گواهي صلاحيت الزامي مي باشد . تذكر ۲ " ارائه گواهينامه تاييد صلاحيت ايمني از وزارت تعاون ،كار و رفاه اجتماعي به موجب آيين نامه ايمني امور پيمانكاري" مصوب ۸۹/۰۳/۰۵ وزير تعاون ،كار و رفاه اجتماعي علي الخصوص ماده ۲ آن الزامي است. ۱۲- هزينه دو نوبت آگهي مناقصه بر عهده برنده مناقصه مي باشد . پس از ارزيابي كيفي ، از مناقصه گران واجد شرايط كه حداقل امتياز لازم را كسب نموده باشند جهت دريافت اسناد مناقصه دعوت بعمل خواهدآمد.
اداره كل راه‌آهن خراسان
د/۹۷۱۲۵۱۰۰

آگهي دعوت به ارزيابي كيفي فراخوان عمومي
مناقصه شماره ۲۹-۳۷-۹۷

اداره كل راه آهن خراسان در نظر دارد بنابر آيين نامه اجرايي بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاري مناقصات نسبت به ارزيابي كيفي پيمانكاران واجد شرايط جهت دعوت به مناقصه ازطريق سامانه تدارکات الكترونيكي دولت(ستاد) به نشاني www.setadiran.ir به شرح زير اقدام نمايد.مناقصه گران موظفند براي شركت درمناقصه نسبت به ثبت نام درسايت مذكور و دريافت گواهي امضاء الكترونيكي اقدام نمايند.لازم به ذكراست كليه مراحل برگزاري مناقصه ازفراخوان ارزيابي كيفي تا انتخاب برنده ازطريق سايت مزبورانجام مي گردد. ۱- نام سازمان مناقصه گزار : اداره كل راه آهن خراسان .۲- شرح مختصر موضوع مناقصه : خريد و نصب ساعتهاي ايستگاههاي اداره كل راه آهن خراسان . ۳- مهلت خريد اسناد ارزيابي : تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۰۸/۲۳ .۴- شايان ذكراست دريافت اسناد و ارائه پاسخ استعلام ارزيابي صرفاً"ميبايست ازطريق سامانه تدارکات الكترونيكي دولت(ستاد)صورت پذيرد و شركت كنندگاني مجاز به خريد حضوري اسناد مي باشند كه قبلا در سامانه مذكور ثبت نام نموده اند . تذكر : خريد اسناد فقط در قبال ارائه رسيد ثبت نام در سامانه صورت مي پذيرد . ۵- محل خريد حضوري اسناد ارزيابي : مشهد – چهارراه راه آهن - حوزه معاونت توسعه مديريت و منابع ـ واحد امور قراردادها و خريدها . ۶- فراخوان ارزيابي كيفي فوق از طريق پايگاه ملي اطلاع رساني مناقصات http:/iets.mporg.ir اطلاع رساني مي گردد. ۷- مهلت و محل ارائه اسناد ارزيابي : تا ساعت ۱۳:۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۹۷/۰۹/۰۸- چهارراه راه آهن ـ حوزه معاونت توسعه مديريت و منابع ـ دبيرخانه اداره كل راه آهن خراسان . ۸- مبلغ كل برآورد : ۳/۴۵۰/۲۵۵/۸۴۶ ريال . ۹- مدت و محل اجرا : مدت اجرا ۹۰ روز مي باشد كه ۵ روز آن به عنوان تجهيز كارگاه بوده و محل اجراء طبق اسناد مناقصه ميباشد. ۱۰- مبلغ تضمين شركت در فرآيند ارجاع كار: : مبلغ ۱۷۲/۵۱۲/۷۹۲ (يكصد و هفتاد و دو ميليون و پانصد و دوازده هزار و هفتصد و نود و دو) ريال مطابق با تضامين معتبر مندرج در آيين نامه تضمين معاملات دولتي موضوع مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هيات محترم وزيران ، در صورت واريز نقد شماره حساب IR۲۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۶۴۰۰۶۳۷۲۶۲۴۱ نزد بانک مرکزی اعلام می گردد . تذکر: به درخواست مناقصه گزار ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار لازم است به مدت سه ماه دیگر قابلیت تمدید داشته باشد. ۱۱- رشته و رتبه پیمانکار : داشتن حداقل رتبه ۵ ابنیه از سازمان برنامه و بودجه الزامی می باشد .تذکر ۱ : ارائه تصویر برابر با اصل شده گواهی صلاحیت الزامی می باشد . تذکر ۲ " ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از وزارت تعاون ،کار و رفاه اجتماعی به موجب آیین نامه ایمنی امور پیمانکاری" مصوب ۸۹/۰۳/۰۵ وزیر تعاون ،کار و رفاه اجتماعی علی الخصوص ماده ۲ آن الزامی است. ۱۲- هزینه دو نوبت آگهی مناقصه بر عهده برنده مناقصه می باشد . پس از ارزیابی کیفی ، از مناقصه گران واجد شرایط که حداقل امتیاز لازم را کسب نموده باشند جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت بعمل خواهدآمد.
اداره کل راه آهن خراسان
د/۹۷۱۲۵۰۹۸